

ارائه راهکارهای تقویت و ارتقای حس تعلق مکانی با رویکرد پدیدار شناسی در معماری و شهرسازی

نمونه موردی: شهر دیواندره

مهندس فرخ عبودی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشکده هنر همدان.

Farrokh Obodi: M.A of Architecture, in, Hamedan University

دکتر ادريس عبودی* دکترای جغرافیا از دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول مکاتبات)

edrisobodi@yahoo.com (۰۹۱۸۱۷۶۸۹۶۰)

Dr. Edris Obodi , PhD in geography, TMU, Tehran, Iran

چکیده

حس تعلق مکانی زیر بنای برنامه ریزی، بقا و کار در مکان است. این حس در مردم به واسطه ی مکانی که در آن به دنیا آمده اند و رشد کرده اند شکل می گیرد. در واقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می دهد و خاطره ی مکان، هویت انسان را غنا می بخشد. احساس تعلق و دلبستگی مکانی به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیت ها نقشی برای مکان در ذهن متصور می سازد و مکان برای او قابل احترام می شود. تنها در چنین حالتی است که انسان به مکان وفادار می ماند و برای توسعه ی آن تلاش می کند. مقاله حاضر بار رویکرد پدیدار شناسی و روش پژوهشی -تحلیلی شاخص های ایجاد حس تعلق مکانی را در معماری و شهرسازی شهر دیواندره در استان کردستان بررسی نموده است. توانایی رویکرد پدیدارشناسی، در ایجاد محیط واجد معنا و هویت از طریق خلق مکان های سرشار از حس و روح مکان می باشد. باید در رویکردی پدیدارشناسانه، مکانها را مورد ارزیابی قرار داد تا بتوان به ادراک و تعیین معنا در معماری دست یافت. شیوه گرد آوری داده های تحقیق میدانی است و در آن بر اساس شاخص های ایجاد حس تعلق مکانی پرسش نامه ای طراحی شده که ۲۵۰ نفر به آن پاسخ داده اند سپس داده ها در SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پس از آزمون های آماری، بر اساس نتایج حاصله و نظر متخصصین، راهکارهای پیشنهادی ارائه شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که معماران و شهرسازان در این شهر ایجاد حس تعلق مکانی را در طراحی اعمال نکرده اند و لازم است در آینده با طراحی مناسب ساختمان ها، المان ها، مبلمان شهری و بناهای یادبود، این بعد، تقویت گردد.

کلید واژه: معماری، حس تعلق مکانی، پدیدار شناسی، دیواندره، کردستان.